

# استراتژی ملی جوانان؛ چالش‌ها و امیدواری‌ها

رحیم حمیدی



از طریق بروسه صلح آن‌ها را وادار نماید تا دست از جنگ بکشد.

اگر منابع مالی این استراتژی از سوی حکومت تأمین گردد در قدم بعدی برای اجرای آن ضرورت جدی میان نهادهای دولتی و غیر دولتی وجود دارد. به دیگر سخن، اجرای استراتژی جامع ملی ضرورت به مدیریت و ارتباط مداوم نهادهای دولتی و غیر دولتی با وزارت اطلاعات و فرهنگ دارد. این ظرفیت در وزارت اطلاعات و فرهنگ وجود ندارد. از طرف دیگر، هماهنگی میان نهادهای دولتی وجود ندارد. در بسی موارد، استراتژی یک وزارت در پیش می‌گیرد ارتباط چندانی با وزارت‌خانه‌های دیگر ندارد. این ناهماهنگی منجر به خلق مشکلات متعدد شده است. نمونه عینی آن را می‌توان عدم هماهنگی در نهادهای امنیتی مثال زد. اردو در بسی موارد موفق به سرکوب مخالفین مسلح کشور می‌شود و یک منطقه را از وجود گروه‌های شورشی پاکسازی می‌کند اما پلیس کشور آمادگی برای ایجاد پوستهای ناآرامی و یا از قبیله‌هیج آگاه نمی‌گردد. نمونه‌های آن را در بسیاری از نهادهای دولتی می‌توان دید.

بنابراین، برای اجرای استراتژی ملی جوانان با چند مشکل مواجه می‌باشیم. اولین مشکل توزیع سهمیه ولایات کشور است. در فقدان آمار مشخص در مورد بیکاری جوانان ولایات‌های مختلف توزیع آن با مشکل جدی مواجه است. مشکل دوم فقدان منابع مالی است. صندوق وجهی ملل متحد ممکن بخش از هزینه‌ها را بپردازد اما، بعید به نظر می‌رسد که تمام مصارف آن را بپردازد. مشکل سوم عدم هماهنگی نهادهای دولتی است. با این حال، برای اشتغالزایی جوانان و گسترش مشارکت آن‌ها ضرورت به اجرای سیاست تقاعد از سوی حکومت نیز می‌باشیم. با وجود تمام مشکلات فراوانی اجرای این استراتژی تدوین آن می‌تواند یک روزنه امید برای جوانان کشور محسوب گردد. امیدوارم که اجرای این استراتژی منجر به کاهش ناراضیاتی مردم از حکومت، کاهش مهاجرت و پایین آمدن گراف انحراف اجتماعی در کشور گردد.

صورت نگرفته است و وزارت اطلاعات و فرهنگ نیز تحقیق در این زمینه انجام نداده است. بنابراین، اجرای این استراتژی در سطح ملی با مشکل توزیع مواجه است. به عنوان مثال: از یک میلیون جوانی که با اجرای این استراتژی مستفید می‌شود چه تعدادی آن شامل جوانان ولایت دایکندی و هر ولایت دیگر است. مقامات وزارت اطلاعات و فرهنگ نیز سخن در این باب به میان نیاورده است. مقامات وزارت اطلاعات و فرهنگ به صراحت گفته است که اجرای استراتژی ملی نیاز به میلیون‌ها دالر آمریکا می‌دارد. تنها صندوق وجهی ملل متحد برای افغانستان گفته است که از این استراتژی حمایت می‌کند. اینکه صندوق وجهی ملل متحد برای افغانستان تمام هزینه اجرای این استراتژی را خواهد پرداخت یا خیر، مشخص نیست. بعید به نظر می‌رسد که صندوق وجهی ملل متحد برای افغانستان قادر به پرداخت تمام هزینه آن باشد. زیرا، ملل متحد در بخش‌های مختلف در افغانستان کار می‌کند. کشورهای کمک‌های خود و دیگر شورشیان در کشور است و با اینکه

کشور وجود نداشت. در عین حال، تا چند ماه اول حکومت وحدت ملی سیاست تقاعد وجود نداشت و یا اجرا نمی‌شد. تنها در دوره، حکومت وحدت ملی در برخی نهادها اجرا شده است. با این حال، در سطح ملی سیاست تقاعد کهن‌سالان اجرا نشده است. این یکی از موانع فراوانی اشتغالزایی جوانان محسوب می‌شود. در کنار این مسئله اگر بالایی ۶۵ درصد جمعیت کشور را جوانان تشکیل دهد اشتغالزایی برای یک میلیون جوان درصد کمی از جوانان را شامل می‌شود. بنابراین، برای اشتغالزایی جوانان فاصله زیادی داریم.

در تدوین استراتژی ملی جوانان این مسئله روشن نشده است که مطالعات این‌ها چگونه صورت گرفته است. میزان بیکاری جوانان در ۲۴ ولایت کشور در نظر گرفته شده است یا خیر. به دیگر سخن، آیا وزارت اطلاعات فرهنگ کشور میزان بیکاری جوانان در هر ولایت را می‌داند که براساس آن استراتژی ملی جوانان را در سراسر کشور تطبیق نماید. بعید به نظر می‌رسد که وزارت اطلاعات فرهنگ آماری در مورد میزان بیکاری جوانان در ۳۴ ولایت کشور داشته باشد. زیرا، تا هنوز تحقیق در مورد

معینیت وزارت اطلاعات و فرهنگ کشور استراتژی ملی جوانان را تهیه نموده است. براساس این استراتژی که در حدود یک میلیون جوان کشور در بخش‌های اشتغالزایی، خدمات صحتی، ورزش و تعلیم و تربیه تحت پوشش قرار خواهد گرفت. این استراتژی از سوی صندوق وجهی ملل متحد برای افغانستان حمایت می‌کنیم. استراتژی ملی جوانان یک ضرورت جدی به حساب می‌آید. تدوین این استراتژی یک گام مهم برای اشتغالزایی، کاهش مهاجرت، امید بخشی به جوانان، کاهش انحرافات اجتماعی و... می‌باشد. با این حال، چالش‌ها و مشکلات زیادی فراوانی این استراتژی وجود دارد. در دوره پس‌اطالبان مؤسسات بین‌المللی و کشورهای کمک‌کننده فرصت خوبی برای اشتغالزایی جوانان فراهم کرده بود. با واگذاری مسئولیت تأمین امنیت به نیروهای امنیتی افغانستان مؤسسات بین‌المللی که در بخش‌های مختلف کار می‌کرد نیز جمع شدند. حکومت افغانستان نیز تلاش‌های زیادی نمود تا کمک‌های جامعه جهانی از مجرای حکومت افغانستان به مصرف برسد. این مسئله نیز بر بسته شدن مؤسسات بین‌المللی و داخلی تأثیر داشت. بسته شدن مؤسسات خارجی و داخلی منجر به افزایش آمار بیکاری در کشور شد. این مسئله، گسترش مهاجرت، افزایش انحرافات اجتماعی را بالا برد. در کل می‌توان گفت که موجب ناراضیاتی مردم از حکومت است. استراتژی ملی جوانان می‌تواند پاسخ به ناراضیاتی مردم، کاهش مهاجرت و پایین آوردن گراف انحرافات اجتماعی باشد.

براساس تحقیقی دموگرافی که در افغانستان صورت گرفته است بالایی ۶۵ درصد جمعیت کشور را جوانان تشکیل می‌دهد. با وجود تا هنوز استراتژی و سیاست در مورد اشتغالزایی جوانان در

مهمیت و اهمیت که انتخابات برای دوام و تحکیم دموکراسی در افغانستان دارد و با توجه به نقش انتخابات در فرایندهای سیاسی، امنیتی و اجتماعی، ضرورت داشت که این پدیده به عنوان مهمترین مؤلفه دولت سازی مورد توجه قرار می‌گرفت. متأسفانه در پانزده سال گذشته حکومت نهادهای سیاسی توجیه‌جویی به ساختار نهادهای انتخاباتی و کارکردهای مسؤلانه و بیطرفانه شان نداشته است.

نامنی از یک سسو و غلبه تفکرات قبیله‌ای از سوی دیگر، اجازه نداده است که روند انتخابات در افغانستان بدون نقص و اشکال جدی به پیش رود. اگرچه پدیده دموکراسی و انتخابات در افغانستان یک امر ناشناخته و تجربه نشده به شمار می‌آید اما با آنهم پانزده سال گذشته زمان مناسب و خوبی بود برای مشق فرهنگ و پذیرش ارزش‌های دموکراسی که متأسفانه از سوی مقامات بلند پایه حکومتی عامدانه نادیده گرفته شد. از اینرو بروسه انتخابات همواره با مخالفت‌ها، چالش‌ها، دخالت‌ها و دست کاری‌ها همراه بوده است.

انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۳ برای مردم افغانستان از اهمیت سیاسی و تاریخی خاصی برخوردار بود. زیرا برای نخستین بار مدیریت انتخابات، نظارت بر آن و تأمین امنیت انتخابات به عهده حکومت افغانستان بود. از اینرو حکومت و مردم افغانستان هر دو در برابر یک آزمون بزرگ قرار گرفته بودند. آزمون که میزان تدبیر، شایستگی، دانایی و انعطاف‌پذیری فرهنگی را در نظام سیاسی و اجتماعی کشور نشان می‌داد. انتظار آن بود که پس از یک دهه حاکمیت نظام مردم سالار و تجربه چندین انتخابات در سال‌های گذشته، حکومت و مردم بتوانند به صورت متحد و هماهنگ از این آزمون دشوار سپردن بیرون بیایند که متأسفانه چنین نشد. نه عدالت در انتخابات رعایت شد و نه سلامت انتخابات مدنظر قرار گرفت.

نتیجه آن شد که افغانستان پس از چهارده سال تمرین دموکراسی بازهم در تطبیق ارزش‌های آن ناکام ماند. این ناکامی چندین مساله را برای ما آشکار ساخت:

۱- نظام دموکراسی بدون پیش‌نیازهای اولیه آن در افغانستان شکل گرفت و مردم نسبت به ارزش‌های دموکراسی احساس بیگانگی می‌کنند. یعنی دموکراسی پیش از آن که برانند تحولات عمیق سیاسی، فکری، اجتماعی و فرهنگی در جامعه باشد، پاسخی به نیازهای فوری و آنی کشور محسوب می‌شود. بنابراین فهم ما از دموکراسی بسیار ناقص، سطحی و آمیخته با بعضی از تصورات و توهمات می‌باشد.

۲- تلاش‌های حکومت و جامعه جهانی در راستای بنیادینه سازی فرهنگ دموکراتیک، چندان موفقیت‌آمیز نبوده و بخش‌های زیادی از کشور را تحت پوشش قرار نداده است. این تلاش‌ها که بیشتر به شکل پروژه‌ای انجام می‌شد، تنها در مراکز شهرها قابل احساس بود، بسیاری از ولایات‌ها و ولسوالی‌های دور افتاده کمتر از تحولات جدید سیاسی به شکل نظام مند و سیستماتیک آگاهی یافته‌اند.

۳- احساس می‌شود که حکومت هم رغبت جدی برای تحقق ارزش‌های دموکراتیک ندارد. سران حکومت می‌خواستند نظام دموکراتیک و ارزش‌های آن، تنها به شکل سمبولیک و در راستای منافع و خواسته‌های آنها در جامعه به گونه محدود قابل اجرا باشد. در واقع سران حکومت می‌خواستند از دموکراسی به شکل ابزاری استفاده نموده و از آن برای دسترسی به منافع شخصی و گروهی خودشان بهره ببرند. اینها تنها صورت دموکراسی را کار داشتند و نه محتوای آن را. از اینرو دموکراسی تا هنوز برای مردم افغانستان ناشناخته و مبهم باقی مانده است.

۴- انتخابات نشان داد که میزان همبندی سیاسی - اجتماعی در کشور بسیار پایین بوده و تعصبات کور قبیله‌ای بسیاری از روندهای سیاسی را در مقاطع حساس سیاسی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اکنون برای جلوگیری از جعل و تقلب و تضمین شفافیت انتخابات، رئیس‌جمهور برای اجرای این قانون انتخابات و قانون تشکیل نهادهای انتخاباتی فرمان صادر کرده است. این فرمان راه را برای تغییر مسؤلان نهادهای انتخاباتی هموار می‌سازد. اما مساله این است تا زمانی که مشکلات بالا حل نگردد و برای پذیرش همگانی دموکراسی فرهنگ سازی نشود، اصلاحات فرمالیستی نمی‌تواند راه حل دائمی برای تضمین شفافیت انتخابات در افغانستان به شمار آید.

## در جستجوی زندگی بهتر

مهرداد مدیر



فقر اقتصادی یکی دیگر از عوامل مهاجرت روزافزون مردم افغانستان است. وضعیت اقتصادی کشور هر روز شکننده تر می‌شود و گفته می‌شود که دولت افغانستان اکنون با استفاده از ذخیره‌های ارزی امورات روزمره کشور را پیش می‌برد. در حالی که ذخایر ارزی کشور باید افزایش یابد و در وضعیت‌های اضطراری از آن استفاده صورت گیرد. این امر نشان می‌دهد که ما اکنون در بحران اقتصادی بسر می‌بریم و بسیاری از مردم کشور حتی توان تأمین مخارج روزمره زندگی شان را ندارند و با مشکلات شدیدی اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کنند. همچنان که در زمان جنگ‌های داخلی بسیاری از شهروندان کشور به ایران و پاکستان برای تأمین زندگی بهتر مهاجرت کردند، اکنون نیز بسیاری از مردم به این منظور مسیر قاره سبز را در پیش گرفته‌اند.

زیادی از شهروندان در تلاش خروج از کشور هستند و می‌خواهند زندگی بهتر را در بیرون از افغانستان جستجو بکنند. این در حالی است که گفته می‌شود ۱۵۰۰ تن از مهاجرین افغانستانی که به کشور آلمان برای پناهندگی رفته بودند، به دلیل قوانین سختگیرانه کشورهای اروپایی و رد پرونده‌های پناهندگی شان، برای برگشت به کشور، در سازمان بین‌المللی مهاجرت ثبت نام کرده‌اند. چندی پیش ۱۲۰ تن از این پناهجویان از آلمان به کابل بازگشتند. عوامل متعدد شهروندان کشور را مجبور کرده است که تصمیم به ترک کشور بگیرند و مشکلات و سختی‌های فراوان را به جان بخرند تا شاید به آرامش نسبی در یک کشور دیگر، دست یابند، اما دلایل عدم ی مهاجرت شهروندان افغانستان به کشورهای اروپایی و سایر کشورهای دنیا، موارد ذیل است:

جنگ

بعد از سال ۲۰۰۱ انتظار می‌رفت که جنگ در افغانستان خاتمه یابد و هر روز ما بیشتر به امنیت و آرامش دست یابیم. اما نه تنها ما از امنیت کامل برخوردار نشدیم و صلح مردم افغانستان این صلح نینداخت، بلکه هر روز وضعیت امنیتی ما وخیم تر می‌شود و جغرافیای جنگ نیز گسترش یافته است و مناطق بیشتری اکنون در زیر آتش جنگ بسر می‌برند. گسترش جغرافیای جنگ و افزایش نا امنی، امید بسیاری از مردم را برای رسیدن به امنیت و آرامش از بین برده است و آنها را مجبور کرده که در جستجوی جای دیگری برای زنده ماندن و زندگی کردن برآیند.

دومی که برای زندگی برگزیده‌اند، زندگی رفاه مندرت از کشور و زادگاه شان داشته باشند. اما عده‌ی زیادی از مهاجرین افغانستانی آواره مدام شدند. آنچه را که در افغانستان داشتند برای یافتن زندگی بهتر، به قاجاقبران انسان بخشیدند و در یافتن زندگی بهتر نیز ناکام ماندند و هر لحظه امکان دارد بجای بازگردانده شوند که از آنجا فرار کرده بودند.

مهاجرت پدیده‌ای نیست که به تازگی وارد زندگی انسان‌ها شده و حیات بشر را در کام فراز و نشیب‌های گوناگون فرار دانه باشد. این پدیده از دیر زمانی در میان ملت‌ها رواج داشته و اهداف متفاوتی مردم را وادار به مهاجرت از یک سرزمین به سرزمین دیگر، نموده است. اما این پدیده در زندگی مردم افغانستان مفهوم دیگری دارد و حلقه آن در زندگی مردم ما از سه دهه به این سو دایره وسیع‌تری یافته است.

هر چند مهاجرت‌های قانونمند در چارچوب قواعد مشخص بین‌المللی یک اصل پذیرفته شده در میان جوامع و کشورهای دنیا به شمار می‌رود؛ اما موج مهاجرت مردم افغانستان این اصل را شکستاده و مرز قواعد بین‌المللی را درنوردیده است. چیزی که عنوان تلخ و زجر دهنده «مهاجرین غیر قانونی» را بر پیشانی هموطنان ما حک می‌کند و دشواری‌های بی‌شماری را فراوانی آنها خلق کرده است. تاکنون دولت افغانستان یک برنامه و پلان موثر در خصوص جلوگیری از مهاجرت‌های غیرقانونی شهروندان کشور، روی دست نگرفته است و هنوز هم عده‌ی

انسانها همواره در جستجوی راه‌های برای دست یافتن به زندگی بهتر و ایدال تر بوده‌اند و به دنبال جایی می‌گشتند که بتوانند در آنجا زندگی با رفاه و آسایش داشته باشند. بیشتر اوقات عدم رضایت از زندگی فعلی، زمینه‌ساز این جستجو بوده است. مهاجرت از یک کشور به کشور دیگر، یکی از راه‌های جستجوی زندگی بهتر بوده است که همواره فقه‌های جدید را در پیش چشم انسانها گشوده است. اما مهاجرت همیشه آسان و راحت نبوده است و آسایش و رفاه و زندگی بهتر را به دنبال نداشته است و همیشه مهاجر آدم خوش شانس نبوده است که به زندگی بهتر دست یافته باشد. روز روز پیش جسد ۱۰ تن از پناهجویان

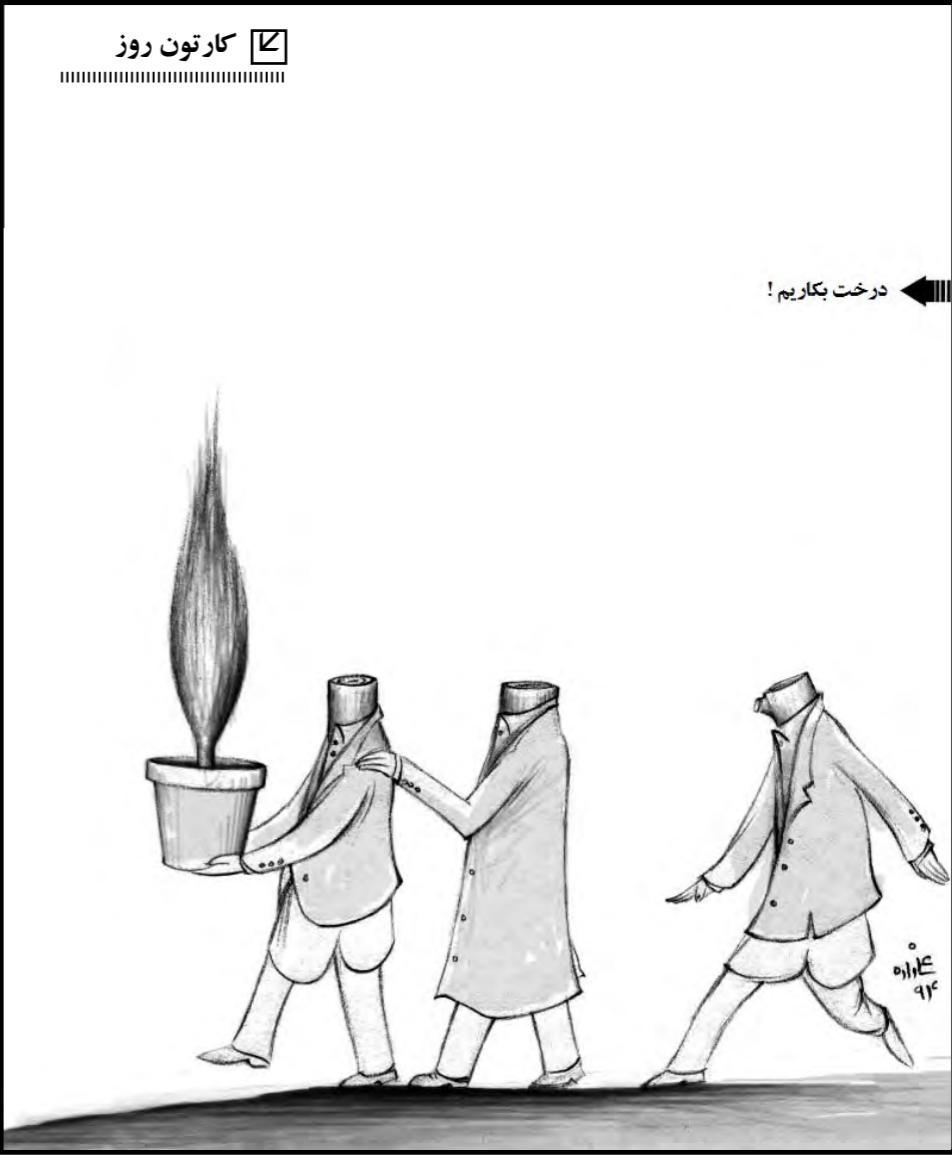
کارتون روز

افغان که در آن‌های ترکیه جان‌شان را از دست داده بودند به کابل رسید و تحویل خانواده‌های شان داده شد. در یک نیم و سال اخیر که موج جدید مهاجرت آغاز شده است، تعداد زیادی از پناهجویان افغانستانی در آب‌های ترکیه و یونان جان‌های شان را از دست داده‌اند و جستجوی شان برای زندگی بهتر با مرگ ختم شده است.

بر اساس آماری که از سوی وزارت امور مهاجرین افغانستان ارائه شده است تنها در سال ۲۰۱۵، ۲۵۰ هزار پناهجوی افغانستانی به ۴۴ کشور صنعتی دنیا رفته‌اند و از این تعداد ۱۵۰ هزار شان به کشور آلمان درخواست پناهندگی داده‌اند. همچنان بر اساس آمار وزارت مهاجرین کشور، ۲۰ درصد از مهاجرانی که در مسیر اروپا کشته شده‌اند و یا در دریاها غرق شده‌اند، مهاجرین افغانستانی‌اند.

در طول بیش از سه دهه جنگ در افغانستان، بسیاری از افغانها از بوی دود و باروت متنفر شدند و خسته از زندگی در افغانستان. وقتی دیدند که در برابر نا‌ملایمات زندگی در افغانستان مقاومت نمی‌توانند، در جستجوی جای برای زندگی بهتر برآمدند. در سالهای اخیر یکبار دیگر موج جدیدی از مهاجرت شهروندان کشور آغاز شده است و بسیاری از خانواده‌ها و جوانان کشور، راه دشوار مهاجرت را در پیش گرفته‌اند.

افغانستانی‌های مهاجر که برای یافتن زندگی بهتر، به کشورهای همسایه، آمریکا و کشورهای اروپایی مهاجرت کرده‌اند، عده‌ی کم‌شان توانسته‌اند به زندگی بهتر دست یابند و در عالم مهاجرت و کشور



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگور دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دربارین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری  
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

